سرمقاله

چگونه می‌توان صادرات و واردات را برای خریدار و فروشنده امن کرد؟

هفت‌خوان تجارت خارجی؛ خوان اول



دکتر داود دانش جعفری
عضو هیات علمی دانشگاه علامه‌طباطبایی

بشنوید

تجارت خارجی زمانی گسترش پیدا می کند که صادرکننده مطمئن باشد پول کالای خود را دریافت خواهد کرد و واردکننده نیز اطمینان داشته باشد که کالای مورد توافق را تحویل می گیرد. در نبود این اطمینان، حتی اگر دو کشور ظرفیت بالایی برای تجارت داشته باشند، بسیاری از معاملات انجام نمی‌شود یا هزینه آن افزایش می‌یابد.

در معاملات داخلی، خریدار و فروشنده معمولا به قوانین، بانک‌ها و دستگاه قضایی یک کشور دسترسی دارند. اما در تجارت خارجی، طرفین در کشورهای متفاوت فعالیت می کنند و ممکن است شناخت کافی از یکدیگر نداشته باشند. همین مساله ضرورت استفاده از ابزارهای مطمئن پرداخت و تحویل کالا را افزایش می‌دهد.

یکی از شناخته‌شده‌ترین ابزارهای کاهش ریسک، اعتبار اسنادی یا Letter of Credit است که به اختصار LC نامیده می‌شود.

اعتبار اسنادی چگونه کار می‌کند؟

فرض کنیم یک شرکت ایرانی قصد دارد کالایی به ارزش یک‌میلیون دلار به یک شرکت چینی صادر کند.

خریدار چینی به بانک خود مراجعه می کند و درخواست گشایش اعتبار اسنادی به نفع صادرکننده ایرانی را ارائه می‌دهد.

بانک پس از بررسی اعتبار مشتری و دریافت وثایق لازم، تعهد می کند در صورت ارائه اسناد مطابق شرایط اعتبار، وجه معامله را پرداخت کند.

صادرکننده ایرانی پس از دریافت اطلاعیه معتبر اعتبار اسنادی، کالا را طبق قرارداد آماده و حمل می کند. سپس اسناد مورد توافق، مانند فاکتور تجاری، سند حمل و گواهی بازرسی را به بانک ارائه می‌دهد.

اگر اسناد با شرایط اعتبار مطابقت داشته باشند، بانک متعهد به پرداخت خواهد بود.

بنابراین، فروشنده به جای اتکای صرف به وعده خریدار، به تعهد یک بانک نیز اتکا می کند.

البته یک نکته مهم وجود دارد: بانک در اعتبار اسنادی اصولا با اسناد سروکار دارد، نه با کیفیت واقعی کالا. بنابراین، اگر خریدار بخواهد از کیفیت کالا نیز اطمینان حاصل کند، باید از بازرسی مستقل، استانداردهای فنی و شروط قراردادی مناسب استفاده شود.

مراحل اصلی یک معامله امن بانکی

در مرحله نخست، خریدار و فروشنده درباره قیمت، مشخصات کالا، زمان تحویل، شرایط حمل و روش پرداخت توافق می کنند.

در مرحله دوم، بانک خریدار اعتبار اسنادی را صادر می کند.

در مرحله سوم، بانک فروشنده اعتبار را بررسی و به صادرکننده ابلاغ می کند. در صورت نیاز، یک بانک معتبر دیگر نیز می‌تواند اعتبار را تایید کند و تعهد پرداخت مستقلی بپذیرد.

در مرحله چهارم، فروشنده کالا را حمل و اسناد لازم را ارائه می کند.

در مرحله پنجم، بانک‌ها مطابقت اسناد با شرایط اعتبار را بررسی می کنند.

در مرحله ششم، پرداخت طبق شرایط اعتبار انجام می‌شود و اسناد لازم برای تحویل کالا در اختیار خریدار قرار می گیرد.

این روش ریسک عدم پرداخت را کاهش می‌دهد؛ اما تمام ریسک‌های تجارت را از بین نمی‌برد. برای مثال، خطر جعل اسناد، اختلاف درباره کیفیت کالا، ورشکستگی بانک، محدودیت انتقال ارز و تغییر مقررات همچنان وجود دارد.

آیا اعتبار اسنادی برای ایران قابل استفاده است؟

از نظر حقوقی و فنی، اعتبار اسنادی یکی از مناسب‌ترین ابزارهای تجارت خارجی است. اما کارآمدی آن برای ایران به دسترسی به بانک‌های معتبر خارجی، روابط کارگزاری، امکان انتقال وجه و رعایت مقررات کشورهای طرف معامله بستگی دارد.

در شرایط تحریم و محدودیت روابط بانکی، ممکن است بانک خارجی حاضر به گشایش یا تایید اعتبار برای یک معامله مرتبط با ایران نباشد.

به همین دلیل، نباید تصور کرد که صرف استفاده از عنوان LC، معامله را کاملا ایمن می کند.

اعتبار اسنادی زمانی موثر است که بانک متعهد، توانایی و مجوز پرداخت داشته باشد و مسیر انتقال ارز نیز واقعا برقرار باشد.

پیشنهاد برای ایران

ایران برای توسعه تجارت خارجی باید استفاده از ابزارهای استاندارد بانکی را در مسیرهایی که از نظر حقوقی و عملیاتی قابل اجرا هستند، گسترش دهد. در این زمینه، تقویت روابط کارگزاری بانکی، استفاده از بانک‌های معتبر، توسعه خدمات بیمه اعتبار صادراتی، بازرسی مستقل کالا و آموزش بنگاه‌های تجاری اهمیت دارد.

همچنین قراردادهای صادراتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که شرایط پرداخت، تحویل کالا، حل اختلاف و مسوولیت طرفین کاملا روشن باشد.

نتیجه آنکه اعتبار اسنادی می‌تواند پایه مهمی برای تجارت امن باشد؛ اما موفقیت آن به اعتبار بانک‌ها و امکان واقعی اجرای تعهدات وابسته است.

تداوم سیاست‌های محدودکننده ارزی، نااطمینانی و هزینه تامین کالا را افزایش می‌دهد

تغییر مسیر تامین ارز واردات

مرضیه احقاقی
دنیای اقتصاد

تغییر قواعد تخصیص ارز، بار دیگر تجارت خارجی ایران را درگیر چالش دسترسی به منابع ارزی و توزیع امتیازهای وارداتی کرده است. در این میان محدود شدن دسترسی بخش عمده‌ای از واردکنندگان به ارز مرکز مبادله، در شرایطی که فاصله نرخ‌های رسمی و بازار آزاد حدود ۴۵ درصد است، بار دیگر چالش‌های سیاست چندنرخی ارز را برجسته کرده است. اگرچه سیاستگذار با هدف مدیریت منابع محدود ارزی آن‌هم در شرایط جنگی و تشدید محاصره اقتصادی، تخصیص ارز را به گروه کوچکی از کالاها محدود کرده، اما این تصمیم لزوما به معنای کاهش نیاز اقتصاد به ارز نیست، بلکه می‌تواند مسیر تامین ارز را تغییر دهد، هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را افزایش دهد. در همین حال تداوم فاصله میان نرخ‌های ارزی، همچنان زمینه بهره‌گیری از امتیاز دسترسی به ارز ارزان‌تر و شکل‌گیری رانت را فراهم می کند؛ مساله‌ای که نشان می‌دهد چالش اصلی نه صرفا در فهرست کالاهای مشمول ارز، بلکه در ساختار تخصیص منابع و نظام چندنرخی ارز ریشه دارد. در نگاه کلان‌تر مشکل اصلی نبود دسترسی به بازار جهانی و تشدید روزافزون انزوای اقتصادی است.



محدودیت ارزی برای ۴۵۳۳ ردیف تعرفه

تحت‌تاثیر محدودیت‌های تجاری و فشار بر منابع ارزی کشور، سیاست تخصیص ارز وارد مرحله تازه‌ای شده است. بر اساس تصمیم مشترک وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی، از مجموع ۴۵۹۹ ردیف تعرفه مربوط به کالاهای وارداتی، تنها ۶۶ ردیف امکان استفاده از ارز مرکز مبادله را خواهند داشت و سایر کالاها باید ارز مورد نیاز خود را از محل‌های جایگزین تامین کنند. این تصمیم که با هدف مدیریت منابع ارزی و اولویت‌بندی مصارف اتخاذ شده، در عین حال نگرانی‌هایی درباره افزایش هزینه واردات، فشار بر تولید و انتقال تقاضا به بازار آزاد ارز ایجاد کرده است.

بر اساس نامه محمدصادق مفتح، قائم‌مقام وزیر صمت در امور بازرگانی، به بانک مرکزی، خرید ارز از سیستم بانکی به اولویت نخست ارزی محدود شده است. در فهرست جدید، ۶۶ ردیف تعرفه در اولویت نخست، ۱۶۷۷ ردیف در اولویت دوم، ۱۰۶۶ ردیف در اولویت سوم و ۱۷۵۰ ردیف در اولویت چهارم قرار گرفته‌اند. بر این اساس، کالاهای خارج از اولویت نخست باید از محل‌هایی مانند ارز حاصل از صادرات خود یا دیگران و منابع ارزی اشخاص، ارز مورد نیازشان را تامین کنند.

مبنای این تصمیم، بازتنظیم منابع و مصارف ارزی کشور و کاهش فشار تقاضا بر منابع رسمی عنوان شده است. محدود شدن مسیرهای صادراتی و دشوارتر شدن تجارت خارجی، ظرفیت تامین ارز را تحت فشار قرار داده و سیاستگذار را به سمت اولویت‌بندی تقاضاها سوق داده است. در چنین شرایطی، تامین ارز دارو، مواد غذایی، نهاده‌های دامی و مواد اولیه ضروری مورد نیاز صنایع در اولویت قرار می گیرد.

با این حال، پیامدهای این تصمیم به تغییر محل تامین ارز محدود نمی‌شود. در روز دوشنبه یازدهم آبان، نرخ حواله دلار در مرکز مبادله حدود ۱۸۷ هزار و ۹۰۰ تومان و نرخ دلار در بازار آزاد حدود ۲۷۳ هزار تومان بود. این اختلاف حدود ۴۵ درصدی به‌ویژه برای بنگاه‌هایی که به واردات مواد اولیه، قطعات و کالاهای واسطه‌ای وابسته‌اند، اهمیت دارد.

محدود کردن دسترسی به ارز مرکز مبادله لزوما به معنای حذف نیاز واردکنندگان به ارز نیست. اگر واردات این کالاها همچنان ضروری باشد، تقاضای حذف‌شده از بازار رسمی به مسیرهای دیگر منتقل خواهد شد. به این ترتیب، باید میان کاهش تقاضا برای ارز رسمی و کاهش تقاضای کل ارز در اقتصاد تفاوت قائل شد.

در این میان نباید فراموش کرد در شرایطی که نرخ حواله دلار در مرکز مبادله با نرخ بازار آزاد فاصله قابل‌توجهی دارد، دسترسی به ارز با نرخ پایین‌تر، مزیتی اقتصادی ایجاد می کند که می‌تواند به‌جای افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری، به منبعی برای کسب سود از محل تفاوت نرخ‌ها تبدیل شود. این وضعیت البته پدیده تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست. طی سال‌های گذشته، با وجود تغییر سیاست‌های ارزی، حذف و ایجاد نرخ‌های مختلف و تغییر شیوه‌های تخصیص ارز، زمینه شکل‌گیری رانت در واردات همواره وجود داشته است؛ با این تفاوت که در دوره‌های مختلف، گروه‌های متفاوتی از این امتیاز بهره‌مند شده‌اند. بنابراین، مساله اصلی را نمی‌توان صرفا به عملکرد واردکنندگان یا نحوه توزیع ارز میان گروه‌های کالایی محدود کرد. ریشه مشکل در نظام چندنرخی ارز، سازوکار تخصیص منابع و ساختار اقتصادی است که امکان کسب سود از شکاف قیمت‌ها را فراهم می‌کند. تا زمانی که این ساختار اصلاح نشود، تغییر فهرست مشمولان ارز یا محدود کردن دسترسی گروهی از واردکنندگان، به‌تنهایی نمی‌تواند زمینه رانت را از بین ببرد.

انتخابی از سر ناچاری

حسین توکلیان، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» درباره تصمیم اخیر سیاستگذار برای محدود کردن دسترسی به ارز بانکی گفت: با توجه به شرایط فعلی اقتصاد کشور و محدودیت منابع ارزی، به نظر می‌رسد سیاستگذار چاره‌ای جز اعمال چنین محدودیت‌هایی نداشته باشد. در شرایطی که منابع ارزی کافی در اختیار کشور نیست، تامین ارز به کالاهای اساسی و اقلام ضروری محدود شود؛ در غیر این صورت، با کمبود جدی کالا در بازار مواجه خواهیم شد.

وی با اشاره به استفاده از ذخایر و موجودی انبارها برای تامین نیازهای کشور طی ماه‌های گذشته گفت: در حال حاضر بخشی از نیازهای بازار از محل ذخایر موجود تامین می‌شود و ادامه این روند نمی‌تواند برای مدت طولانی امکان‌پذیر باشد. به نظر می‌رسد سیاست محدودیت ارزی نیز راهکاری برای عبور از شرایط فعلی باشد، اما نمی‌توان انتظار داشت که این وضعیت برای مدت طولانی ادامه پیدا کند. احتمالا منابع و ذخایر موجود بتوانند برای یک دوره ۶ تا ۹ ماهه به تداوم این روند کمک کنند؛ اما پس از آن باید شرایط تامین ارز و تجارت خارجی کشور بهبود یابد.

این استاد اقتصاد درباره احتمال ایجاد رانت در پی اولویت‌بندی تخصیص ارز نیز گفت: هر زمان که در اقتصاد محدودیت و سهمیه‌بندی وجود داشته باشد، احتمال شکل‌گیری رانت نیز مطرح می‌شود. تجربه‌های گذشته نشان داده است که نظام‌های چندنرخی و تخصیص ارز با محدودیت‌های خاص، می‌توانند زمینه ایجاد امتیازهای ویژه برای برخی افراد و گروه‌ها را فراهم کنند. با این حال، باید توجه داشت که شرایط کنونی با دوره‌هایی که ارز ترجیحی یا رسمی با اختلاف قابل‌توجهی نسبت به نرخ بازار در اختیار واردکنندگان قرار می گرفت، تفاوت دارد. البته این موضوع به معنای منتفی بودن احتمال رانت نیست و هر نوع محدودیت در دسترسی به منابع ارزی باید با نظارت و شفافیت همراه باشد.

این استاد دانشگاه در ادامه با اشاره به ضرورت توجه به پیامدهای محدودیت ارزی برای بخش تولید اظهار کرد: نباید این موضوع را صرفا از زاویه واردات کالاهای مصرفی بررسی کرد. بخشی از کالاهای وارداتی، مواد اولیه و قطعات مورد نیاز واحدهای تولیدی هستند و محدودیت در تامین آنها می‌تواند مستقیما بر میزان تولید اثر بگذارد.

توکلیان در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه اگر منابع ارزی کشور، چنین محدود است، چرا بانک مرکزی بخشنامه‌ای با هدف عرضه سهمیه ارزی سالانه تا سقف ۱۰ هزار دلار برای هر کد ملی آغاز کرد، گفت: چنین تصمیماتی بیشتر جنبه نمایشی دارند. یعنی این تصمیمات در مواجهه با اخبار منتشر شده درباره عدم کارآیی اقتصاد ایران و بحران‌های جدی گرفته می‌شود. به علاوه آنکه گمان نمی کنم، متقاضی قابل‌توجهی هم برای دریافت چنین ارزی وجود داشته باشد؛ چراکه طبعا آثار و عواقب مالیاتی و مالی قابل توجهی را برای افراد به دنبال خواهد داشت. منابع ارزی چندانی نیز در عمل به آن اختصاص نیافته است.



حسین توکلیان: سیاستگذار در شرایط فعلی با محدودیت جدی منابع ارزی مواجه است و اولویت‌بندی تخصیص ارز را باید در چارچوب همین واقعیت ارزیابی کرد

وی با اشاره به تفاوت شرایط کنونی با دوره‌هایی که امکان کسب سود از اختلاف نرخ ارز برای افراد وجود داشت، اظهار کرد: در گذشته، در مقاطعی اختلاف میان نرخ ارز رسمی و بازار آزاد به اندازه‌ای بود که افراد می‌توانستند از این فاصله سود قابل توجهی کسب کنند؛ برای مثال، با دریافت ارز برای سفر خارجی، عملا هزینه سفر خود را جبران کنند و حتی سودی نیز به دست آورند. اما شرایط امروز با آن دوره متفاوت است و به نظر نمی‌رسد انگیزه اقتصادی مشابهی برای چنین فعالیت‌هایی وجود داشته باشد.

توکلیان با اشاره به اختلال در تامین برخی قطعات مورد نیاز صنایع داخلی گفت: در مواردی، محدودیت در دسترسی به محموله‌های مورد نیاز تولید، فعالیت خطوط تولید را با مشکل مواجه کرده است. برخی شرکت‌ها نیز در مقاطعی از موجودی انبارهای خود برای ادامه تولید استفاده کرده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که محدودیت‌های تجاری و ارزی می‌توانند به‌سرعت بر فعالیت بنگاه‌ها اثر بگذارند.

وی در پایان تاکید کرد: سیاستگذار در شرایط فعلی با محدودیت جدی منابع ارزی مواجه است و اولویت‌بندی تخصیص ارز را باید در چارچوب همین واقعیت ارزیابی کرد. با این حال، تداوم چنین سیاستی در بلندمدت به بهبود دسترسی کشور به منابع ارزی و رفع موانع تجارت خارجی وابسته است. در غیر این صورت، محدودیت در تامین ارز می‌تواند به کاهش تولید، افزایش هزینه بنگاه‌ها و تشدید فشار قیمتی در بازار منجر شود.

تغییر ناگهانی قواعد ارزی و زیان واردکنندگان

نادیر پورجم، نایب‌رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با انتقاد از تصمیم اخیر سیاستگذار برای محدود کردن تخصیص ارز بانکی به ۶۶ ردیف تعرفه، نسبت به پیامدهای این تصمیم برای فعالان اقتصادی و بخش تولید هشدار داد و گفت: تصمیم‌هایی از این دست بدون در نظر گرفتن تبعات آن برای بخش خصوصی اتخاذ می‌شوند؛ درحالی که هزینه‌های ناشی از تغییر سیاست‌ها در نهایت فشار مضاعفی بر واردکنندگان و فعالان اقتصادی وارد می کند.

پورجم با اشاره به وضعیت کالاهایی که پیش از این با استفاده از سازوکار ترخیص درصدی از گمرک خارج شده‌اند، گفت: بخشی از کالاهایی که در گمرک وجود داشته‌اند، با هدف جلوگیری از رسوب کالا و با استفاده از فرآیند ترخیص درصدی، پیش از تامین کامل ارز از گمرک خارج شده‌اند. صاحبان این کالاها با توجه به شرایط و نرخ‌های ارزی زمان ترخیص، هزینه تمام‌شده محموله‌های خود را محاسبه کرده و بر همان مبنا برای فروش و عرضه کالا برنامه‌ریزی کرده‌اند. اکنون با تغییر سیاست تخصیص ارز، درخواست تامین ارز برخی از این فعالان اقتصادی با محدودیت مواجه شده و آنها ناچارند ارز مورد نیاز خود را از محل‌هایی مانند ارز حاصل از صادرات دیگران یا سپرده‌های ارزی اشخاص تامین کنند. در چنین شرایطی، هزینه تامین ارز برای واردکننده به میزان قابل توجهی افزایش پیدا می کند. وی ادامه داد: برای مثال، ممکن است واردکننده‌ای در زمان محاسبه بهای تمام‌شده کالا، نرخ ارز ۱۸۰ هزار تومان را مبنا قرار داده باشد؛ اما اکنون برای تامین ارز مورد نیاز خود ناچار باشد با نرخ حدود ۲۷۰ هزار تومان اقدام کند. این اختلاف نرخ، محاسبات اقتصادی بنگاه را به‌طور کامل تغییر می‌دهد.

نایب‌رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از نحوه ابلاغ تصمیم‌های جدید تجاری و ارزی گفت: تصمیم‌هایی که مستقیما بر فعالیت بنگاه‌ها اثر می گذارند، باید با رعایت الزامات قانونی و فرصت کافی برای تطبیق فعالان اقتصادی اتخاذ شوند. در این زمینه، مواد ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار بر ضرورت اطلاع‌رسانی و فراهم کردن فرصت برای فعالان اقتصادی پیش از اجرای تغییرات مقرراتی تاکید دارند، اما در بسیاری از موارد این الزامات رعایت نمی‌شود.

وی با اشاره به ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار گفت: «دولت و دستگاه‌های اجرایی مکلفند به منظور شفاف‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری، هرگونه تغییر سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اقتصادی را در زمان مقتضی قبل از اجرا، از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسانند.»

همچنین در ماده ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار چنین آمده است: «وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با همکاری معاونت ذی‌ربط رئیس‌جمهور حداکثر ۶ ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، با استفاده از ظرفیت‌های موجود نسبت به اصلاح و ارتقای «پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات مرتبط با محیط کسب‌وکار» اقدام کند».

وی افزود: طبعا در مقرره مورد بحث مواد قانونی یادشده مورد توجه سیاستگذار نبوده است. در این میان تغییر ناگهانی قواعد تجاری در شرایطی که واردکنندگان پیش‌تر بر اساس مقررات موجود اقدام به ثبت‌سفارش، تامین کالا و ترخیص آن کرده‌اند، می‌تواند محاسبات اقتصادی آنها را بر هم بزند و حتی زمینه ورشکستگی برخی بنگاه‌ها را فراهم کند.

تخصیص ارز به گروه محدودی از واردکنندگان

نادیر پورجم در ادامه با اشاره به محدود شدن دسترسی به ارز بانکی برای بخش عمده ردیف‌های تعرفه‌ای اظهار کرد: باید توجه داشت که واردات بسیاری از کالاها فعالیتی تخصصی است و هر فعال اقتصادی امکان ورود به همه گروه‌های کالایی را ندارد. برای مثال، واردات کالاهایی مانند برنج، نهاده‌های دامی و ذرت در اختیار مجموعه‌ای از بازرگانان و شرکت‌هایی است که در این حوزه‌ها تخصص و سابقه فعالیت دارند. بنابراین، وقتی تخصیص ارز به تعداد محدودی از ردیف‌های تعرفه‌ای محدود می‌شود، باید بررسی کرد که این تصمیم چه کسانی را در موقعیت دسترسی به منابع ارزی قرار می‌دهد و چه گروه‌هایی از این امکان محروم می‌شوند.

این فعال بخش خصوصی با تاکید بر اینکه پیامدهای تصمیم جدید صرفا به واردکنندگان محدود نمی‌شود، گفت: باید به ساختار تامین مواد اولیه در اقتصاد ایران توجه داشت. بسیاری از واردکنندگان در واقع صرفا واردکننده به معنای متعارف نیستند، بلکه بازرگانانی هستند که مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز واحدهای تولیدی را تامین می کنند و در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهند.

وی توضیح داد: منابع مالی بسیاری از واحدهای تولیدی محدود است و این بنگاه‌ها توانایی تامین مستقیم ارز و واردات همه مواد اولیه مورد نیاز خود را ندارند. به همین دلیل، در طول سال‌های گذشته سازوکاری میان بازرگانان و تولیدکنندگان شکل گرفته است؛ به این صورت که بازرگانان کالاهای مورد نیاز صنایع را وارد می کنند و در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌دهند. افزایش هزینه تامین ارز برای این گروه از واردکنندگان، مستقیما هزینه تامین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را برای تولیدکنندگان افزایش می‌دهد. در نتیجه، اثر این تصمیم می‌تواند فراتر از افزایش قیمت برخی کالاهای وارداتی باشد و به افزایش هزینه تولید و تشدید تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شود. اگر تبعات این تصمیم برای زنجیره تامین و ساختار همکاری میان بازرگانان و تولیدکنندگان در نظر گرفته نشود، فشار ناشی از آن در نهایت به مصرف‌کنندگان منتقل خواهد شد.

محدودیت منابع طبیعی، بازنگری در شیوه تولید غذا را ضروری کرده است

ضرورت بازتعریف مسیر امنیت غذایی

محدودیت منابع آب و خاک، ضرورت بازنگری در شیوه‌های تولید غذا را بیش از گذشته مطرح کرده است. در همایش روز جهانی غذا، از انتقال دانش و فناوری به مزارع تا توسعه کشاورزی با آب شور و بهره‌گیری از ظرفیت دریاها، به‌عنوان مسیرهای تازه برای تامین امنیت غذایی سخن گفته شد.

غلامرضا گل‌محمدی، رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و معاون وزیر جهاد کشاورزی، انتقال دانش به مزارع را اولویت بخش کشاورزی برای تحقق امنیت غذایی پایدار دانست و گفت: رویکرد تحقیقات کشاورزی از تولید مقاله و اجرای طرح‌های پژوهشی صرف عبور کرده و بر حل مشکلات کشاورزان، افزایش بهره‌وری منابع و تامین پایدار غذا متمرکز شده است.

گل‌محمدی تغییرات اقلیمی، بحران کم‌آبی، محدودیت منابع و افزایش هزینه‌های تولید را از چالش‌های امنیت غذایی برشمرد و با اشاره به گزارش فائو بیان کرد: حدود ۶۴۵ میلیون نفر در جهان در سال ۲۰۲۶ با مشکل دسترسی به غذای کافی روبه‌رو بوده‌اند. او با اشاره به شعار امسال روز جهانی غذا، «نوآوری امروز، تغذیه فردا»، تاکید کرد نوآوری تنها به فناوری‌های پیچیده محدود نیست و معرفی ارقام مقاوم به خشکی، اصلاح روش‌های آبیاری و مدیریت تغذیه گیاهان را نیز دربرمی گیرد.

ظرفیت تولید با آب شور مکران

علی عبدالعلی‌زاده، نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور و توسعه سواحل مکران، این منطقه را دارای ظرفیت مناسب برای توسعه کشاورزی با آب شور دانست و گفت: دولت آماده اختصاص زمین و امکانات مورد نیاز پژوهشگران برای اجرای طرح‌های تحقیقاتی و توسعه شورورزی است.

او محدودیت منابع خاکی و آب شیرین را دلیلی برای توجه بیشتر پژوهش‌های کشاورزی به منابع دریایی و آب‌های شور دانست. به گفته عبدالعلی‌زاده، نگاه به آب دریا نباید صرفا بر شیرین‌سازی آن متمرکز باشد، بلکه باید فناوری‌هایی توسعه یابد که تولید مستقیم محصولات غذایی با آب شور را ممکن کند.

او پرورش ماهی در قفس را نمونه‌ای از استفاده از ظرفیت دریا دانست و بیان کرد: سازه‌هایی با ظرفیت بیش از هفت‌هزار تن در چین توسعه‌یافته‌اند. عبدالعلی‌زاده همچنین به نتایج گزارش‌شده از تحقیقات دانشگاه ارومیه درباره کشت گندم در اراضی شور اطراف دریاچه ارومیه اشاره کرد که بر اساس آن عملکردی بیش از ۱۵ تن در هکتار به‌دست آمده است.

نماینده رئیس‌جمهور از مطالعات دانشگاه تهران درباره ظرفیت گیاه سالیکورنیا برای تولید مواد غذایی با آب شور نیز خبر داد و گفت: حرکت به سمت تولید انبوه این گیاه در سال جاری در دستور کار قرار گرفته است. او با اشاره به پژوهش‌های چین و کره‌جنوبی درباره کشت برنج در بسترهای شناور، خواستار گسترش تحقیقات کشاورزی دریایی و تولید محصولات با استفاده از منابع شور شد.

امنیت غذایی فراتر از تولید

فرخ طایراو، نماینده فائو در ایران، افزایش تولید محصولات کشاورزی را به‌تنهایی تضمین‌کننده امنیت غذایی ندانست و گفت: تحقق این هدف به دسترسی پایدار همه خانوارها به غذای سالم، مغذی و مقرون‌به‌صرفه وابسته است. او با اشاره به داده‌های فائو اظهار کرد: تولید غلات جهان در سال ۲۰۲۴ به حدود ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تن رسید که نسبت به سال ۲۰۱۰ رشد ۲۷ درصدی داشت؛ با این حال، افزایش تولید به‌تنهایی دسترسی خانوارها به غذای مناسب را تضمین نمی کند. به گفته



طایراو، امنیت غذایی چهار بعد فراهم بودن غذا، دسترسی به آن، بهره‌مندی تغذیه‌ای و پایداری را شامل می‌شود.

نماینده فائو کمبود آب، تغییرات اقلیمی، تخریب خاک و محدودیت اراضی قابل کشت را از چالش‌های کشاورزی دانست و بر توسعه راهکارهای نوآورانه متناسب با شرایط اقلیمی و ظرفیت‌های محلی تاکید کرد.